

دکتر باقرپور کاشانی



شناخت حرکت در ویژگی های ماده

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شناخت حرکت در ویژگی‌های ماده

ببینید ما از چی شروع می‌کنیم؟

ما از ویژگی‌های ماده شروع می‌کنیم، ماده بالاخره شما قبول دارید، ما هم قبول داریم یک ویژگی‌هایی دارد.

ماده چی دارد؟

ماده حرکت دارد، در مقابل فرامادی، فرامادی می‌گوییم خدا، حقیقت فرامادی حرکت دارد؟ می‌گوییم منزه از حرکت هست! پس ماده از ویژگی‌هایی که قابل انفکاک از ماده، حرکت هست.

حالا این حرکت دو حالت دارد، یا این حرکت ذاتی ماده هم هست، یعنی چی؟

ماتریالیسم دیالکتیک، یا فقط در اعراض ماده‌ست، حرکت در «گم»، «کیف»،

«این»، «وضع» هست، البته آن کسی که ماتریالیست دیالکتیک هست، حرکت در

اعراض هم قبول دارد، حرکت در ذات هم قبول دارد، حرکت در جوهر هم قبول دارد.

هر کدام از این‌ها را بخواهیم فرض بکنیم، اگر چنانچه شما حرکت در ذات را قبول

کردی، این‌جا باید اول در مورد حرکت ما یک تصویری داشته باشیم؛ حرکت یعنی

چی؟

حرکت هر کدامش را لحاظ بکنیم، چه حرکت در اعراض، چه حرکت در ذات، مثلا حرکت در اعراض وقتی نگاه می‌کنی اکنون این شیء از این جا که آمد به این جا، این جا که آمد این جا نیست، این جا که آمد این جا نیست، این جا که هست دو نقطه قبل نیست؛ این مسبوق به عدم قبل هست، وقتی اینجا هست، عدم نسبت به آینده‌اش هم هست که حرکت تحقق پیدا نکرده که تا این جا که درسته؟ این حرکت در «این».

حرکت در وضع را حساب بکنیم، حرکت در وضع یک چیزی دور خودش بچرخد، نگاه کنید این اکنون دارد می‌چرخد خب؟ ۳۶۰ درجه نچرخیده، خب این ۹۰ درجه چرخیده، حالا شده ۱۸۰ درجه، حالا شد چند؟ ۳۶۰ درجه! یک دور چرخید ۳۶۰ درجه. این حالتی که ۱۰ درجه چرخیده، به حالتی که ۲۰ درجه چرخیده، در حالت ۲۰ درجه عدم حالت ۱۰ درجه را دارد، در حالت ۴۵ درجه عدم حالت ۳۵ درجه را دارد، در حالت ۳۶۰ درجه عدم حالت ۳۰۰ درجه را دارد، پس در این حرکت عدم خوابیده، مسبوق به عدم هست، عدم حالت قبل.

حرکت در «گم» را حساب بکنیم؛ یک نهالی را شما کاشتی، این نهال دارد رشد می‌کند، سه روز بعد می‌شود این قدر، یک هفته بعد می‌شود این قدر، سه روز قبل که این این جا هست، این عدم سه روز قبل را دارد؛ یعنی سه روز قبل، این این جا دیگه نبود.

وقتی درخت تنومندی می‌شود، عدم حالت‌های قبل را دارد! به خاطر این که در حالت‌های قبل محدود بود، حالتش را از دست داده، رشد کرده، این شد حرکت در «گم».

حاضران: یعنی مثلاً آن میوه‌ای که نارس بوده، بعد مثلاً رشد کرده آن می‌شود [حرکت در] کیف مثلاً؟

بله! این سیبی که رشد می‌کند هم حرکت در «گم» دارد هم «کیف»؛ [حرکت در] «گم» دارد که این سیب کوچک است، از شکوفه دارد رشد می‌کند، کمیتش دارد زیاد می‌شود کیفیتش هم دارد تغییر می‌کند، رنگش دارد عوض می‌شود؛ اما همان حالت حرکت در کیف هم که نگاه می‌کنی، عدم «کیف»‌های قبل را در بر دارد!

خب در حرکت؛ حرکت در ذات، ذات وقتی صیورت، وقتی به تعبیر این‌ها «سنتز» که یک تکامل یک حالت بالاتر هست، یک رشد درونی و ذاتی هست، این عدم حالت قبل را دارد، اگر نداشت که حرکت نبود که! پس دوستان توجه کنند که حرکت را باید بشناسند، نیاز هم نیست حرکت و آقا بریم فلسفه بخوانیم بشناسیم. همین حرکتی که در فیزیک هم مطرح شده، در همین فلسفه، چه اسلامی، چه فلسفه غرب هم مطرح شده. حرکت یک چیزی نیست که نشود فهمید، پیچیده باشد، ما این را می‌فهمیم و بالاخره می‌فهمیم که این حالت هست.



@aparat.com/be
_sooye_zohoor



v_bagherpour_
kashani



@seratehagh1



besouyezohour



bagherpour-
kashani.com/



@serat12k



youtube.
com/c/seratehagh



https:
//naakhodaa.ir